

گفت و گو با صاحب پر بیننده ترین وبلاگ فارسی حجة الاسلام سید محمد ابطحی معاون محترم رئیس جمهور

وبلاگ دفترچه خاطرات شخصی آدم‌هایی است که یادداشت‌هایی کاملاً آزادانه می‌نویسند. این دفترچه خاطرات امروز به صورت یک دفترچه عمومی درآمد است و همه می‌توانند در جایی دفترچه خاطراتشان را در معرض دید عموم قرار دهند و از آنجا که اهالی وبلاگ غالباً دارای سن، دیدگاه و خواسته‌های مشترکی هستند معمولاً وبلاگ‌ها نیز دارای احساس و ادبیات مشترک بوده و تقریباً در همه وبلاگ‌ها یک نوع زبان مشترک دیده می‌شود. به طوری که حتی اگر با ابهام، اشاره و کنایه از برخی لغات استفاده شود، اهالی وبلاگ می‌دانند که منظور چیست، اما افرادی که در حوزه وبلاگ نیستند و یا در این گروه سنی قرار ندارند، معانی بسیاری از این اصطلاحات را نمی‌دانند یا معانی متفاوت با منظور نویسنده از آن برداشت می‌کنند. هم‌چنین ادبیات غیررسمی تازه‌ای را که در بین جوانان متداول شده است، در وبلاگ‌ها مشاهده می‌کنیم زیرا آنها دارای احساس، ادبیات و دیدگاه مشترک هستند. از طرف دیگر مشاهده می‌کنیم که مدیران و مسئولان جامعه یک حرف می‌زنند و جامعه حرف دیگر. هیچ‌کدام از طرفین ادبیات همدیگر را متوجه نمی‌شوند هر چند با همدیگر دعوا ندارند، اما قضیه بدین صورت است که مثلاً یکی چینی حرف می‌زند یکی انگلیسی. وبلاگ می‌تواند واسطه مناسب و دست‌گام ترجمه‌ای باشد که به صورت دیجیتال خواست‌های جامعه را به مسئولین منتقل کند. کاش نسل اول و دوم انقلاب نیز در عرصه وبلاگ‌نویسی حضور داشتند و حرفشان را می‌زدند و حرف جوانان بی‌تجربه را تصحیح می‌کردند تا تعاملی بین آنها برقرار شود. اگر این امر صورت می‌گرفت، بسیار تأثیرگذار بود و بسیاری از مشکلات



جناب آقای ابطحی، امروز رشد وبلاگ نویسی در ایران از سرعت رواج اینترنت بیشتر شده است، به عنوان اولین سؤال به نظر حضرت‌عالی در مورد نقش و تأثیر وبلاگ به عنوان ابزار ارتباطی چیست؟

نسل معاصر ما تفاوت زیادی با نسل گذشته دارد. امروزه فاصله بین نسل‌ها بسیار اندک شده است. یک فرد ۲۷ ساله نسل خود را از یک فرد ۲۱ ساله جدا می‌بیند. جهان با چنان سرعتی در حال تغییر است که مردم از پنج شش سال پیش خاطرات تغییر تکنولوژی را بیان می‌کنند. در حالی که قبلاً سی‌چهار سال طول می‌کشید تا فناوری‌های جدید فناوری قبلی را به خاطر تبدیل کند، از طرف دیگر نسل جوان حدود ۶۰ درصد جامعه را تشکیل می‌دهد. ایران دومین کشور جوان‌دنیاست و باید بپذیریم که می‌بایست برای آنها برنامه‌ریزی کنیم. اگر این مسئله را نپذیریم بحران فعلی تشدید می‌شود.

بسیاری از افرادی که در خیابان‌ها به بدحجابی یا فساد اخلاقی متهم می‌شوند، قلب‌های پاکی دارند فقط نوع نگاه‌شان متفاوت است. این مسایل در جامعه ما وجود دارد و وبلاگ‌آینه بسیار خوبی برای دیدن و فهمیدن این مسایل است، البته برای کسی که می‌خواهد بفهمد در جامعه چه می‌گذرد. من به عنوان شخصی که هم عنوان روحانی و هم عنوان مدیریتی دارم پس از آنکه در این فضای مجازی ظاهر شدم و تا حد زیادی در این فضا پذیرفته شدم، نگاه، جهان‌بینی و اولویت‌بندی ذهنم تغییر کرده است



حل می‌شد.

امروزه تفاوت‌ها آنقدر زیاد شده است که اگر یکی از جوانان ما همان گونه که با دوستان خود صحبت می‌کند به طور مثال با جناب آقای حداد عادل و یا جناب آقای کروبی، رؤسای سابق و فعلی مجلس شورای اسلامی صحبت کند، آنها اکثریت حرف‌های او را متوجه نخواهند شد. در سایر زمینه‌ها نیز همین گونه است. در حال حاضر بیشتر از ۹۰ درصد جوانان ما تمام خوانندگان مشهور بین‌المللی، گرایش‌های موسیقی و خوانندگان ایرانی و خارجی را می‌شناسند و ترانه‌های آنها را از حفظ هستند. از فرزندان آیه الله گرفته تا بچه‌های مردم عادی. بسیاری از افرادی که در خیابان‌ها به بدحجابی یا فساد اخلاقی متهم می‌شوند، قلب‌های پاکی دارند فقط نوع نگاه‌شان متفاوت است. این مسایل در جامعه ما وجود دارد و وبلاگ‌آینه بسیار خوبی برای دیدن و فهمیدن این مسایل است، البته برای کسی که می‌خواهد بفهمد در جامعه چه می‌گذرد. من به عنوان شخصی که هم عنوان روحانی و هم عنوان مدیریتی دارم پس از آنکه در این فضای مجازی ظاهر شدم و تا حد زیادی در این فضا پذیرفته شدم، نگاه، جهان‌بینی و اولویت‌بندی ذهنم تغییر کرده است.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که کمتر بدان پرداخته شده این است که وبلاگ چه تأثیری بر فرهنگ عمومی خواهد داشت؟ آیا باعث خواهد شد که ما از کیفیت خوب تولید محتوای فرهنگی به یک نگاه سطحی برسیم و یا نه برعکس، فهم جامعه را از مقوله فرهنگی عمیق‌تر خواهد کرد؟ به عبارت دیگر ما می‌خواهیم ببینیم که نقش وبلاگ در توسعه فرهنگی

چیست؟ این یکی از مباحث مهم است. اوایل که اینترنت وارد جامعه شده بود، یکی از اشکالاتی که بر اینترنت گرفته می‌شد این بود که اینترنت فرهنگ‌های ملّی را از بین می‌برد و فرهنگ جهانی بر جامعه حاکم می‌شود و خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ بومی دچار اضمحلال می‌شوند، اما بعد از گذشت سال‌ها می‌بینیم که عکس این مسئله اتفاق افتاده است.

در وبلاگ‌ها حجم وسیع اطلاعات به زبان فارسی منتشر می‌شود و این بزرگ‌ترین گام در راه گسترش زبان فارسی است. برای گسترش و آموزش زبان فارسی در کشورهای دیگر باید اساتیدی از نقاط مختلف با هزینه زیاد دعوت به کار کرد. تمام محتوای فارسی که بدین شکل سنتی در سراسر دنیا تولید می‌شود به اندازه محتوایی نیست که وبلاگ‌نویسان در نصف روز تولید می‌کنند. امروز به لطف وبلاگ‌ها هر کسی در هر جایی از دنیا می‌تواند موسیقی ایرانی، زبان، شعر و متون فارسی بخواند. دیگر آنکه امروز قطعاً در بین نسل دوم و سوم فارسی زبان خارج کشور به مراتب زبان فارسی و سنت ایرانی‌ها را جدی‌تر دنبال می‌کنند. در گذشته کسانی که خارج از فرهنگ منطقه‌ای خود بزرگ می‌شدند، چون دسترسی به فرهنگ، زبان و ادبیات منطقه‌شان بسیار سخت بود، در فرهنگ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند، غرق می‌شدند. اما امروز برخلاف آنکه گفته می‌شد با ورود اینترنت خرده فرهنگ‌ها از بین خواهد رفت، با کمک فضای مجازی، فرهنگ ایرانی به خارج از کشور راه یافته است. بنابراین زبان فارسی بیشتر در نسل دوم و سوم ایرانیان خارج از کشور رواج یافته و در نتیجه

مدیران کشور در خط به خط
وبلاگ‌ها می‌توانند خواسته‌های
واقعی و بی‌سانسور نسل جوان را
مشاهده کنند و مدیران کشور باید از
خداوند شاکر باشند که چنین نظر
گاهی به همت خواسته‌های نسل
جوان در اختیار دارند



هنگامی که به سیستم اینترنتی عنوان مجازی می‌دهیم در این محیط افراد به راحتی می‌توانند خود را بروز دهند، اما من نه تنها این مسئله را تهدید نمی‌بینم بلکه آن را به چند دلیل فرصت بزرگی می‌دانم. اول اینکه متأسفانه به دلایل مختلف در جامعه این امکان که جوانان بتوانند خواسته‌ها و آمالشان را بیان کنند، وجود ندارد و وبلاگ‌ها با فراهم نمودن این فرصت از انفجار درونی جوانان جلوگیری می‌کند.

دوم آنکه مدیریت کشور در خط به خط وبلاگ‌ها می‌تواند خواسته‌های واقعی و بی‌سانسور نسل جوان را مشاهده کند، به خصوص با توجه به مسئله اختلاف نسل‌ها، مدیریت کشور به آگاهی از واقعیات جامعه نیازمند است. مدیران کشور باید از خداوند شاکر باشند که نظرگاهی به سمت خواسته‌های نسل جوان در اختیار دارند. اگر قرار باشد کسی واقعیات را ببیند و بخواهد مشکلات را حل کند، بهترین نظرگاه همین وبلاگ‌هاست، اما اگر قرار شود صورت مسئله را پاک کنیم، نتیجه این خواهد شد که جامعه به سمتی متفاوت از مسیر حاکمیت پیش می‌رود.

برخی معتقدند گره کور سامان‌دهی به ارتباطات دیجیتال در کشور، نبود قانون و مقررات مناسب است. هنگامی که قانون نباشد افرادی از روی حسن نیت برداشت‌های شخصی خود را اعمال خواهند کرد و این روند ممکن است لطمات جبران‌ناپذیری به بار آورد. شاید بسیاری از موضوعات دیگر چنین شانسی نداشته باشند که معاون حقوقی رئیس جمهور نسبت به آن چنین حساسیتی داشته باشد. با توجه به آن که حضرت عالی نسبت به این موضوع دغدغه خاطر و اشراف کامل دارید چه مسیری را برای ساماندهی به برخورد های انتظامی و امنیتی در فضای دیجیتال توصیه می‌فرمایید؟

در حال حاضر در مورد این مسائل تنها چیزی که نداریم قانون مناسب است و تا زمانی که قانونی برای این کار مدون نشود

اطلاعات آنان در مورد ایران افزوده شد و ارتباطات آنها با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی تقویت گردیده است، پس وبلاگ می‌تواند تأثیر مثبتی بر رشد فرهنگ ایرانی داشته باشد.

دولت چه نقشی می‌تواند در زمینه توسعه وبلاگ‌ها و اصولاً گسترش تعاملات فرهنگی در دنیای دیجیتال ایفا کند؟ دولت باید بستر این کار را فراهم نموده و زیرساخت‌های ارتباطی را برقرار کند، اگر این امکان فراهم شود توسعه سیاسی اقتصادی و اجتماعی کشور تسهیل و تسریع خواهد شد. به خاطر دارم زمانی با آقای خاتمی در هنگ کنگ بودیم، مسئولان آنجا می‌گفتند اولین کاری که ما برای توسعه انجام دادیم این بود که ارتباطات را مجانی کردیم. تمام سوبسیدها را در زمینه ارتباطات مصرف کردیم. در تمام چهارراه‌ها امکان استفاده رایگان مردم از اینترنت را فراهم کردیم. به همین دلیل هنگ کنگ به پایگاه اقتصادی منطقه تبدیل شده است. برعکس در کشور ما به این فکر می‌کنند که تعرفه‌های اینترنت را افزایش دهند. اگر کلان‌نگر باشیم، سیاستی که در هنگ کنگ اجرا می‌شود را منطقی‌تر خواهیم دید.

وبلاگ‌نویس در بیشتر اوقات گمنام است و هیچ سازوکار مشخصی برای محدود کردن آنچه که او انتشار می‌دهد وجود ندارد به نظر شما آیا این مسئله نوعی تهدید محسوب می‌شود؟

نخست اینکه من با این نظر موافق نیستم که وبلاگ‌ها سنت‌های اجتماعی و قواعد اخلاقی را نقض می‌کنند، زیرا اکثر وبلاگ‌های فارسی زبان را دارای روحیه شرقی می‌بینم. وبلاگ‌های فارسی زبان که مرزها و حریم‌های شرقی را شکسته‌اند، تعدادشان بسیار کم است. وبلاگ فارسی واقعاً محترم و باشخصیت است. دوم آنکه طبیعت مجازی وبلاگ را باید در نظر گرفت.



می‌شود که می‌توان چند سائیتی را که مناسب نیست فیلتر کند و نه ترمینال سایت گو یا را این کار سبک سرانه است. مثل اینکه سیستم جست و جوی گوگل را فیلتر کنند.

در همه دنیا حتی در امریکا نیز قوانین مستحکمی در این مورد وجود دارد و با دقت اجرا می‌شود، اما اگر سلیقه‌ای بر خوردشود، به هیچ نتیجه‌ای نخواهیم رسید. کارل می‌گوید اگر قانونی بنویسم که می‌دانیم قابلیت اجرا ندارد، آن قانون از اول عملی نیست.

جناب آقای ابطحي، اشاره فرمودید که جامعه و بلاگ نویسان حضرت عالی را به عنوان یکی از اعضای خود پذیرفته‌اند. ممکن است کمی از «وب نوشتن» و بلاگ پربیننده خودتان بگویید.

روزانه حداقل ده هزار نفر به وبلاگ من سر می‌زنند و حدود ۸ ماه است که من حتی یک روز هم تعطیلی نداشتم و هر روز مطالب جدیدی را در وبلاگم منتشر کرده‌ام.

در پایان تقاضا می‌کنم چنانچه مطلبی ناگفته مانده یا نکته خاصی مورد نظر حضرت عالی است بیان فرمایید.

در گذشته رسانه‌های رسمی همیشه قدرت را در دست داشته و غیر قدرتمندها امکان دسترسی به مخاطبین را نداشتند، اما امروزه وبلاگ نویسی و اینترنت این امکان را فراهم کرده است و نیروهای ضعیف دنیا در حال بهره‌برداری از آن هستند. اگر از نظر فلسفه‌آرمانی انقلابی بخواهیم مسئله را بررسی کنیم باید اینترنت و وبلاگ را رواج دهیم. اگر گفته می‌شود به امید روز پیروزی مستضعفان بر مستکبران. امروز برای مستضعفان و زجرکشیدگان دنیا امکان رسانیدن صدای خود به گوش جهانیان فراهم شده است. البته این مسئله هیچ‌گاه در مغز متحجر عده‌ای فرو نمی‌رود.

نمی‌توان از لحاظ انتظامی با این مسئله برخورد کرد. قانون جامع رسانه‌ها با کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت IT آماده شده است ولی چشم‌انداز روشنی از آن نداریم. اگر قانون منطقی و معقول در این زمینه داشته باشیم و بر اساس آن رفتار کنیم، بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد. البته اصرار زیادی داشتیم که قانون جامع رسانه‌ها تدوین شود. در مقام قانون نویسی نیز توصیه ما این است که قانون با واقعیت منطبق باشد. من با بسیاری از پیشنهاداتی که داده شد موافق نیستم. شورای عالی انقلاب فرهنگی معیارهای تند و تیزی را در مورد فیلترینگ تصویب کرده است و سه نفر نیز برای صدور مجوز در نظر گرفته است که در بررسی انجام شده، دریافتیم که غیرقانونی است. مکاتبه کردیم که این کار، وظیفه شورای انقلاب فرهنگی نیست؛ باید توسط مجلس، قانونی در این زمینه تصویب شود و این کار محدود کردن آزادی مردم است؛ اما با همه مخالفت‌هایی که ما در این زمینه ابراز کردیم، آنها لیست‌هایی برای مهر و موم و فیلترینگ کردن برخی سایت‌ها می‌نویسند. متأسفانه اخیراً مجدداً صد سایت را خلاف اعلام کردند با اینکه ما این کار را خلاف قانون می‌دانستیم. بعد لیست ۱۰ صفحه‌ای توسط دادستانی به ISPها ابلاغ شده تا آنها را مسدود کنند. از طرفی ISPها توسط بخش خصوصی دایر شده است و آنها نیز همه سرمایه‌شان را در این زمینه به کار بسته‌اند. از طرف دیگر مطمئن نیستند که اگر دقیقاً این کار را انجام دهند، خلاف هست یا خیر. این درست است که باید با مواردی مانند اتهام به اشخاص، انتشار روابط خصوصی افراد با یکدیگر و مانند آن برخورد کرد، اما مثلاً یک رسانه فراگیر مثل رادیو که سهل الوصول است را در اینترنت نباید فیلتر کرد در حالی که متأسفانه برخی فیلترها در مورد رادیوها اجرا شده است. وقتی یک رسانه‌ای سهل الوصول است آن را در یک رسانه سخت‌تر و کم حجم‌تر فیلتر نمی‌کنند. هم چنین ترمینال سایت گو یا که هر چه بخواهی در آن پیدا می‌کنی. اگر آدم کمی از رشته رایانه بداند متوجه